

حضرت عسکری طلایه دار عبادت و عرفان - قسمت اول

<?xml encoding="UTF-8">

سخن آغازین

از منظر فرهنگ و حیانی قرآن، کمال غایی انسان تنها به وسیله عبادت آگاهانه به دست می آید و هدف نهایی آفرینش جن و انس نیز ریشه در همین حقیقت دارد (1) .

عبادت بارزترین جلوه ارتباط انسان با خداست، خداوندی که در بینش حق باوران به همه آفریده های خود احاطه کامل دارد . او همه جا حاضر و ناظر است و از همه چیز به انسان نزدیکتر و از هر چیزی بالاتر می باشد .

پروردگاری که از اسرار دل انسانها آگاه و از نجوایهای مخفیانه و تصمیمهای افراد باخبر است . مولای عارفان علی علیه السلام فرمود: «قد علم السرائر وخبر الضمائر، له الاحاطة بكل شیء، والغلبة لكل شیء والقوة علی کل شیء»؛ (2)

خدا به تمام اسرار نهان آگاه و از باطن همه چیز با خبر است، به همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب و پیروز و بر هر شیئی تواناست .»

همچنین از منظر قرآن ارتباط انسان با چنین خدای قادر و قاهر و عالمی، ارتباطی آسان و سهل الوصول است . همه کس در همه جا و در همه حال می توانند با آفریدگار خود نجوا کرده و راز دل خود را در میان بگذارند و درهای بیکران رحمت الهی را با مناجات و دعا و نماز به روی خود بگشایند .

«واذا سالک عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان»؛ (3)

«هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو]: من نزدیکم و دعای دعا کننده را - هنگامی که مرا می خواند - اجابت می کنم .»

بر این اساس عبادت، ارتباط آسان انسان ناتوان با آفریدگار جهان است که هر لحظه اراده کند و خود را نیازمند پناهگاهی مطمئن و زوال ناپذیر ببیند، می تواند به این وسیله به قدرت لایزال آفریدگار هستی تکیه کرده و آرامش از دست رفته خود را باز یابد . او با روی آوردن به عبادت آگاهانه، ارتباطی صمیمانه با سرچشمه و پدید آورنده نیکیها و زیباییها برقرار نموده و کارسازترین سلوک را در زندگی انتخاب می کند .

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی

خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندي

عبادت و سلوک معنوی دستاوردهای ارزشمندی به بشر هدیه می کند . کسب بینشهای متعالی، رسیدن به عظمت روحی و روانی، به دست آوردن ملکه تقوی (بالاترین معیار ارزش انسان)، صفای باطن و آزادگی روح، دوری از زشتیها و گرایش به خوبیها، آثار جسمانی، بهداشتی، فردی و اجتماعی، نمونه ای از ره آورد رفتار عبادی افراد

است . افزون بر این، مقامات معنوی همچون: اخلاص، توکل، اطاعت از خداوند، حضور قلب و مواردی از این قبیل نیز از ثمرات پربار عبادت و ارتباط با پروردگار متعال می باشد . در یک کلام بالاترین ارمان عبادت و عرفان حقیقی، آزادی بی قید و شرط انسان از تمام تعلقات غیر الهی و پناه گرفتن در سایه لطف حضرت حق می باشد که وجود او را از تمام موجودات حتی فرشتگان، ارزشمندتر و شایسته تر می نماید و قلب و جان او را در عشق ورزیدن به مبدا کائنات تسخیر می کند و در نتیجه شمع وجودش در آسمان و زمین می درخشد .

گرنور عشق حق به دل و جانت اوفتد

بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

از پای تا سرت همه نور خدا شود

در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

از آنجا که طی چنین مسیر حساسی در وادی عبادت و عرفان نیازمند الگو و راهنما می باشد و بدون راهبر راستین و آگاه، انسان نه تنها سرگشته و حیران می ماند بلکه ممکن است افرادی سودجو و گروههایی فرصت طلب او را از صراط مستقیم هدایت، گمراه کرده و الی الابد دچار هلاکت نمایند، پس برای سلوک عبادی و عرفانی شایسته است راهنمایی در خور انتخاب کرده و پیروی نمود .

چه شایسته است که برای وصول به سعادت حقیقی در این مسیر از سیره و سخن رهبران الهی و پیشوایان معصوم علیهم السلام که مطمئن ترین و کاملترین الگوی بشریت هستند مدد بگیریم .

با توجه به نکات یاد شده و اهمیت عبادت در زندگی انسان، کوشیده ایم در این فرصت ، گذری بر حیات عبادی و عرفانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام داشته باشیم، به این امید که گفتار و رفتار عرفانی آن مظهر اسماء حسناي الهی، همچون نوری درخشان در پیمودن راه حساس و پر خطر زندگی ما را رهنمون شود .

عبادت به چه معناست؟

عبادت و ستایش پروردگار یک مفهوم وسیع و فراگیر دارد که هر کار نیک و مفیدی را که با انگیزه خدایی انجام پذیرد شامل می شود . یعنی عبادت از دو رکن اساسی تشکیل می شود که یکی نیت و دومی انجام عمل پسندیده است .

اساسا عبادت از دیدگاه اسلام از هنگام بلوغ بشر شروع شده و تا لحظه مرگ ادامه می یابد .

«واعبد ربک حتی یاتیک الیقین» ؛ (4) «پروردگارت را عبادت کن تا لحظه یقین [مرگ] فرا رسد .»

با توجه به این نکته، یک انسان مسلمان می تواند تمام گامهای خویش را که در راه زیستن بهتر و انجام اعمال پسندیده بر می دارد، همه را برای خدا و با انگیزه الهی همراه کند و به این ترتیب در تمام لحظات عمر خود در حال عبادت باشد . او با بهره گیری از سفره گسترده رحمت الهی، خود را در فضایی ملکوتی و نورانی عبادت داخل کرده و با انجام هر عمل خیری به نیت تقرب الی الله گامی دیگر به سوی تکامل برمی دارد و به این ترتیب محبوب خدا شده و تمام وجودش خدائی می شود . خداوند متعال می فرماید: «ما یزال عبدي یتقرب الی بالنوافل حتی احبه فاذا احبته کنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و یده الذی یمسک بها و رجله الذی یمشی بها» (5) ان دعانی اجبته وان سألنی اعطیته؛ (6)

پیوسته بنده من به وسیله نافله ها و عبادت‌های مستحبی به من نزدیک می شود تا اینکه محبوب من می شود،

وقتي که محبوبم شد من گوش او مي شوم که با آن مي شنود و چشم او مي شوم که با آن مي بيند و دست او مي شوم که با آن عمل مي کند و پاي او مي شوم که با آن راه مي رود، اگر مرا بخواند او را اجابت مي کنم و اگر چيزي از من بخواهد به او عطا مي کنم.»

اما با اين حال برخي اعمال عبادي جلوه بيشتري دارند و سفر به مقصد حقيقي انسان را سريعتر مي نمايند . حضرت عسکري عليه السلام مي فرمايد: «الوصول الي الله سفر لا يدرك الا بامتطاء الليل؛ رسيدن به لقاء الله سفری است که در آن نمی توان به مقصد رسید مگر به وسیله شب زنده داری.» يکي از عرفاي بزرگ در مورد اين حديث نکاتي فرموده است که خالي از فايده نيست . آن بزرگوار مي فرمايد: از اين حديث استفاده مي شود که:

- 1 - وصول به لقاي حق ممکن است و ممتنع نيست .
 - 2 - رسيدن به حضور حق با حرکت و سلوک امکان دارد نه با سکون و تحجر .
 - 3 - راه وصول سخت و طولاني است و وسيله اي کارساز و مرکبي راهوار همانند سحرخيزي مي طلبد .
 - 4 - عبادتهاي شبانه نيرومندتر و سريعتر از عبادتهاي روزانه انسان را به مقصد مي رساند (7) .
- به همين جهت حضرت عسکري عليه السلام در پيامي که به علي بن بابويه قمي (پدر شيخ صدوق) فرستاده است، بر اين نکته تاکيد ورزيده و مي فرمايد: «وعليک بصلاة الليل، فان النبي صلي الله عليه وآله اوصي عليا عليه السلام فقال: يا علي عليک بصلاة الليل، ومن استخف بصلاة الليل فليس منا، فاعمل بوصيتي وأمر جميع شيعتي حتي يعملوا عليه؛ (8)
- بر تو باد که نماز شب بخواني، همانا پيامبر اکرم صلي الله عليه وآله به علي عليه السلام وصيت نموده و فرمود: اي علي! بر خودت نماز شب را لازم بدان! و کسي که خواندن نماز شب را سبک بشمارد از ما نيست [اي علي بن بابويه!] به وصيت من عمل کن و به جميع شيعیان من نیز فرمان بده که چنين کنند .»

دستاوردهاي شب زنده داري

در طول تاريخ بزرگان زيادي از عالمان وارسته و مؤمنين به حق پيوسته به اين توصيه حضرت عسکري عليه السلام عمل نموده و از شب زنده داري و سحرخيزي نتايج سودمند و توفيقات چشمگيري را نصيب خود کرده اند . در اينجا با چند تن از اين پاسداران حريم دل، ديداري تازه کرده و تجديد خاطره مي کنيم:

- 1 - عالم بزرگوار مرحوم محمد تقی مجلسي، پدر بزرگوار علامه محمد باقر مجلسي در خاطرات خود مي گويد: در يکي از شبها پس از اينکه از نماز شب و تهجد سحري فارغ شدم، حال خوشي براي من ايجاد شد و از آن حالت فهميدم که در اين هنگام هر حاجت و درخواستي از خداوند نمايم، اجابت خواهد شد، فکر کردم چه در خواستي از امور دنيا و آخرت از درگاه خداوند متعال نمايم که ناگاه صدای گريه فرزندم محمد باقر در گهواره اش بلند شد و من بي درنگ به خداوند متعال عرضه داشتم: پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، اين کودک را مروج دينت و ناشر احکام پيامبر بزرگت قرار ده و او را به توفيقاتي بي پايان موفق گردان . (9)

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حياتم دادند

چه مبارک سحري بود و چه فرخنده شبي

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

این همه شهد و شکر کز سخنم می ریزد

اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند

همت حافظ و انفاس سحر خیزان بود

که زبند غم ایام نجاتم دادند

و این چنین بود که دعای این عارف سحرخیز به اجابت رسید و فرزند دانشمندش آنچنان توفیقاتی در ترویج دین و نشر احکام پیامبر به دست آورد که موافق و مخالف را به حیرت واداشت، تا جائی که امروزه هیچ پژوهشگری در حوزه دین و علوم اسلامی از تالیفات این عالم وارسته و سخت کوش بی نیاز نمی باشد .

2 - آیت الله العظمی مرعشی نجفی، بزرگ فرهنگیان میراث اهل بیت علیهم السلام، در بیشتر علوم اسلامی صاحب نظر بود و تالیفات ارزشمند ایشان - که نزدیک به 150 اثر در موضوعات مختلف است - گواه روشنی بر این حقیقت است . کرامات معنوی، دریافت بیش از چهارصد اجازه اجتهادی و روایتی از علمای بزرگ اسلامی، تدریس متجاوز از 67 سال در حوزه علمیه قم و نجف، تربیت هزاران شاگرد و تاسیس صدها مدرسه علمی، مسجد، حسینیه و مراکز فرهنگی، رفاهی و درمانی و ایجاد بزرگترین و مشهورترین کتابخانه در جهان اسلام از جمله توفیقات این فقیه فرزانه می باشد . او این همه توفیقات را از هفتاد سال مناجاتهای سحری و دعاها نیمه شبی و کرامات اهل بیت علیهم السلام می داند و با تاکید تمام وصیت می کند که: «سجاده ای که هفتاد سال بر روی آن نماز شب به جا آورده ام با من دفن شود . (10)»

اوقات خوش آن بود که با دوست به سر رفت

باقی همه بیحاصلی و بی خبری بود

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

3 - آیت الله شهید مرتضی مطهری، یکی دیگر از عالمان وارسته ای است که تمام توفیقات خود را مرهون عبادت خالصانه و ارتباط حقیقی با مبدا جهان آفرینش است . آن شهید والا مقام و قهرمان میدانهای علم و اندیشه و عمل بر این باور بود که: «ما یک سلسله لذتهای معنوی داریم که معنویت ما را بالا می برد . برای کسی که اهل تهجد و نماز شب باشد، جزء صادقین، صابرین و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد . . . آنان[به لذتهای مادی که ما دل بسته ایم هیچ اعتنا ندارند . . . آدمی اگر بخواهد از چنین لذتی بهره مند شود، ناچار از لذتهای مادی تخفیف می دهد تا به آن لذت عمیق معنوی برسد . (11)»

استاد مطهری رحمه الله عمیقا به این گفتار خود اعتقاد داشت و چنان به مناجاتهای سحری دلبسته بود و از لذتهای معنوی آن سرمست می شد که زمزمه های عاشقانه اش دیگران را نیز متأثر می ساخت . حضرت آیه الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خاطرات خود آورده است: «مرحوم مطهری یک مرد اهل عبادت، اهل تزکیه اخلاق و روح بود .

هر شبی که ما با مطهری بودیم، این مرد نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت، یعنی نماز شب می خواند و گریه می کرد، به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می کرد . . . بله، ایشان نماز شب می خواند همراه با گریه، با صدایی که از آن اتاق می شد آنرا شنید! (12)»

4 - علامه عارف مرحوم سید علی آقا قاضی نیز سعادت دنیا و آخرت را در سحرخیزی و نماز شب می دانست . آن یگانه دوران و استاد اخلاق و عرفان، نه تنها خود به این گفتار عامل بود، بلکه شاگردانش را نیز در فرصتهای مناسب به این عمل توصیه و ترغیب می کرد . علامه طباطبائی می فرماید: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند، چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: «ای فرزند! دنیا می خواهی نماز شب بخوان، و آخرت می خواهی نماز شب بخوان . (13)»

حضرت عسکری علیه السلام در یکی از سخنان گهر بار خویش به فوائد روانی و جسمانی شب زنده داری اشاره فرموده و آرامش روحی و جسمی را یکی از دستاوردهای سحرخیزی می داند و می فرماید: «سحر خیزی لذت خواب را بیشتر می نماید و گرسنگی (روزه داری) لذت خوراک را افزایش می دهد . (14)»

اهمیت دادن به نماز

نماز در سیره و سخن حضرت عسکری علیه السلام همانند پدران بزرگوارش جایگاه ویژه ای دارد، در این زمینه چند روایت را می خوانیم:

الف) ابوهاشم جعفری (15) می گوید: روزی به حضور حضرت عسکری علیه السلام داخل شدم و مشاهده کردم آن حضرت مشغول نوشتن است . در همین موقع وقت نماز داخل شد . آن بزرگوار از کار نویسندگی دست کشیده و برای اقامه نماز به پا خواست . من با شگفتی تمام دیدم که قلم بر روی کاغذ همچنان حرکت می کرد و می نوشت تا اینکه کار کتابت کاغذ به پایان رسید . من به شکرانه این کرامت به سجده افتادم و امام از نماز برگشته و قلم را بدست گرفته و به مردم اجازه ورود داد (16) .

ب) عقید خادم می گوید: هنگامی که حضرت عسکری علیه السلام در بستر بیماری بود و واپسین لحظات حیات خویش را می گذرانید، مقداری داروی جوشانده خواست، ما آنرا آماده کرده و به محضرش آوردیم، امام متوجه شد که وقت نماز صبح رسیده است، فرمود: می خواهم نماز بخوانم، سجاده حضرت را در بسترش گسترديم، امام از خادمه ای که در آنجا حضور داشت آب وضو را گرفته و بعد از اینکه با آن آب وضوی کاملی را به جا آورد، آخرین نماز صبح را در همان بسترش خواند و لحظاتی بعد روح بلند آن حضرت به عالم بالا عروج نمود (17) .

ج) شیخ طوسی از حضرت عسکری علیه السلام روایتی نقل می کند که در آن به جا آوردن پنجاه و یک رکعت نماز در هر روز یکی از نشانه های شیعیان راستین شمرده شده است .

طبق این روایت، یک مؤمن واقعی نه تنها در هر روز 17 رکعت نمازهای واجبش را به جا می آورد بلکه خواندن سی و چهار رکعت نافله های آنرا نیز بر خودش لازم می شمرد . متن روایت چنین است: «علامات المؤمنین خمس: صلوۃ الاحدی والخمسين، و زیارة الاربعین، والتختم فی الیمین، وتغفیر الجبین، والجهر ببسم الله الرحمن الرحیم؛ (18)

علامت اهل ایمان پنج تا است: بجای آوردن 51 رکعت نماز [در هر روز]، خواندن زیارت اربعین، قرار دادن انگشت [مجاز] در انگشتان در دست راست، مالیدن پیشانی [در هنگام سجده] بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم [در حال قرائت نماز] .»

در توضیح فراز اول روایت لازم است به این نکته اشاره شود که مقصود حضرت از 51 رکعت نماز، 17 رکعت نمازهای واجب و 34 رکعت نوافل آنهاست . البته نافله به نمازهای مستحبی می گویند اما چون برای نافله های

نمازهاي واجب تاكيد فراوان شده و بويژه در مورد نافله هاي شب سفارش بيشتري صورت گرفته است، به اين جهت در اين روايت انجام آنها در كنار نمازهاي فريضة يكي از نشانه هاي اهل ايمان و شييعيان اعلام شده است . ترتيب آنها همچنانكه در كتابهاي فقه و حديث و دعا آمده است در غير روزهاي جمعه اين چنين مي باشد: نافله نماز صبح دو ركعت و قبل از فريضة خوانده مي شود . نافله نماز ظهر هشت ركعت و پيش از نماز ظهر، نافله عصر همانند ظهر هشت ركعت و قبل از فريضة مي باشد و نافله نماز مغرب چهار ركعت، بعد از فريضة مغرب بوده و نافله نماز عشاء بعد از فريضة و دو ركعت نشسته خوانده مي شود و يك ركعت محسوب مي گردد، و يازده ركعت هم نافله شب است كه وقت آن از نصف شب تا اذان صبح مي باشد . با اين حساب 34 ركعت نافله و 17 ركعت فريضة جمعا 51 ركعت نماز براي مؤمنين در هر روز منظور شده و در اين حديث بدان اشارت رفته است .

(د) حضرت عسكري عليه السلام در يك روايتي به درجات اهل نماز اشاره کرده و فرمودند: زماني كه بنده به سوي جايگاه نمازش مي رود تا نماز بخواند بخداي عزوجل به ملائكه اش مي فرمايد: «آيا بنده مرا نمي بينيد كه چگونه از همه خلائق بريده و به سوي من آمده است، در حالي كه به رحمت و جود و رافت من اميدوار است؟ شما را شاهد مي گيرم كه رحمت و كرامت خود را مخصوص او گردانيدم . (19)»

يادي از نماز خوبان

از امام حسن عسكري عليه السلام در ذيل آيه «ويقيمون الصلوة» داستاني در مورد نماز ابي ذر نقل شده است كه مروري بر آن در اينجا مناسب مي نمايد . امام حسن عسكري عليه السلام فرمود: روزي حضرت ابوذر غفاري به محضر رسول خداصلي الله عليه وآله آمده و عرضه داشت: يا رسول الله! من در حدود 60 راس گوسفند دارم و نمي خواهم بخاطر آنها هميشه در باديه باشم و از فيض محضر شما محروم شوم و همچنين دوست ندارم آنها را به يك شباني بسپارم تا به آنها ستم کرده و حقوقشان را رعايت نکنند؛ تكليف من چيست؟ رسول خداصلي الله عليه وآله فرمود: فعلا برو و گوسفندانت را بچران . ابي ذر طبق فرمان پيامبر به صحرا رفت و در روز هفتم به نزد پيامبر آمد . رسول خداصلي الله عليه وآله از وي سؤال كرد: اي اباذر! گوسفندانت را چه كردي؟ او پاسخ داد: يا رسول الله گوسفندان من قصه شگفت انگيزي دارند! پيامبر فرمود: اي اباذر مگر چه شده؟ چه قصه اي؟ اباذر در پاسخ اظهار داشت: يا رسول الله! من مشغول نماز بودم، گرگي به گوسفندانم حمله كرد، پس گفتم: خدايا نمازم، خدايا گوسفندانم! در آن حال من متحير بودم كه نمازم را بشكنم و از گوسفندان دفاع كنم يا نمازم را ادامه دهم . ادامه نماز را انتخاب كردم، در اين حال شيطان مرا وسوسه كرد و به من گفت: اي اباذر! چه مي كني؟ اگر گرگ گوسفندانت را هلاك كند و تو همچنان نمازت را ادامه دهی در دنيا سرمايه اي براي زندگي ات نخواهد ماند . به شيطان پاسخ دادم: براي من ايمان به وحدانيت خداوند و ايمان به رسالت حضرت محمدصلي الله عليه وآله و ولايت برادرش علي عليه السلام و دشمني با دشمنان آن بزرگواران بهترين سرمايه است كه باقي خواهد ماند؛ بعد از اينها هر چه از من فوت شود اهميتي ندارد . در اين حال نمازم را ادامه دادم و گرگ يكي از گوسفندانم را ربود، اما با حيرت تمام ديدم كه در آن لحظه شيري پيدا شد و گرگ را كشته و آن گوسفند را از چنگال وي رهانیده و به داخل گله بازگردانید . سپس مرا مورد خطاب قرار داده و [با زبان فصيحی] گفت: اي اباذر! نمازت را با خيال راحت ادامه بده، خداوند تبارك و تعالي مرا مامور کرده كه از گوسفندانت مواظبت نمايم تا اينكه از نماز فارغ شوي . من نماز را به پايان رساندم در حالي كه حيرت و تعجب تمام وجودم را فرا گرفته بود و خدا مي

داند که چه حالی داشتم . در این موقع شیر به نزد آمده و به من گفت: «امض الي محمدصلي الله عليه وآله فاخبره ان الله تعالى قد اكرم صاحبك الحافظ لشريعتك ووكل اسدا بغنمه يحفظها؛ نزد حضرت محمدصلي الله عليه وآله برو و به آن حضرت خبر بده که: خداوند متعال دوست تو را که از شريعتت پاسداري مي کرد گرامي داشت و براي گله اش شيري را به محافظت گماشت .» با شنیدن اين ماجرا، همه حاضران از قصه اباذر شگفت زده شدند .

پيامبر اکرم صلي الله عليه وآله فرمود: اي اباذر! راست گفتي و به يقين من، علي، فاطمه، حسن و حسين عليهم السلام به راستي تو و قصه ات ايمان آورديم .

اما برخي از منافقين که در حدود 20 نفر بودند، گفتند: محمدصلي الله عليه وآله با اباذر تباني کرده اند که ما را بفریبند . ما بايد خودمان او را تعقيب کنيم و ببينيم آیا واقعا شيري در هنگام نماز از گله اباذر محافظت مي کند؟ آنها آمدند و با چشمان خود دیدند که اباذر در حال نماز است و شيري گله او را مي چراند و از آنها مواظبت مي کند . هنگامی که اباذر دوباره به حضور رسول الله صلي الله عليه وآله شرفیاب شد، پيامبرصلي الله عليه وآله خطاب به وي فرمود: «يا اباذر انك احسنت طاعة الله، فسخر الله لك من يطيعك في كف العوادي عنك، فانت افضل من مدحه الله عزوجل بانه يقيم الصلاة؛ اي اباذر! تو اطاعت خدا را به نحو احسن انجام دادی و خداوند کسی را براي پاسبانی گوسفندان در تسخير تو درآورد که در وسط بيابان از تو اطاعت مي کند، پس تو گرامي ترين کسی هستی که خداوند متعال او را به اینکه نماز اقامه مي کند ستوده است!» (20)

سجده و حالتهای ملکوتي

بندگان راستين الهي از هنگامی که حلاوت عبادت و عبوديت و نيایش با پروردگار عالميان را چشیده اند، سعادت و عزت خود را در سجده هاي عاشقانه و خضوعهاي خاکسارانه در پيشگاه حضرت حق مي بينند . آنان آرامش، نشاط و سرور دل را در تعظيم حضرت رب العالمين جستجو مي کنند و بر اين باورند که سجده نزديکترين حالات یک عبد در حضور معبود است . جبين بر خاک سائیدن و در دل شبهاي تار زمزمه عشق سر دادن عادت هميشگی مردان خداست . آنان در اين حال نوراني مي شوند و از میان فرشتان به سوي عرشيان پرواز مي کنند و در آن حال است که: «عظم الخالق في انفسهم وصغر ما دونه في اعينهم؛ (21) تنها آفریدگار جهان در نظر آنان بزرگ است و ماسوي الله در منظرشان کوچک و حقير مي باشد .»

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب

تا در اين پرده جز اندیشه او نگذارم

در اینجا چند روايت در مورد عبادتهای عاشقانه و سجده هاي طولاني حضرت عسکري عليه السلام را مي خوانيم:

1 - محمد شاکري از همراهان امام عسکري عليه السلام در توصيف سیره عبادي - عرفاني آن حضرت مي گوید: او در محراب عبادت مي نشست و سجده مي کرد در حالی که من پيوسته مي خوابيدم و بيدار مي شدم و مي خوابيدم در حالی که او در سجده بود . او کم خوراک بود . برايش ميوه هايي مي آوردند، او يکي دو دانه از آنها را مي خورد و مي فرمود: محمد! اينها را براي بچه ايت ببر (22) .

2 - عده اي از عوامل خليفه عباسي نزد زندانبان امام عسکري عليه السلام - که شخصي به نام صالح بن وصيف بود - آمده و به او گفتند: هر چه مي تواني بر ابو محمدعليه السلام سخت بگیر و هيچگونه آسايشي برايش

نگذار! صالح بن وصیف در پاسخ آنان گفت: چه کنم؟ دو نفر از بدترین و شرورترین مامورانم را برای وی گماشته بودم، اینک هر دو در اثر معاشرت با ابو محمدعلیه السلام نه تنها او را به دیده یک زندانی نمی نگرند، بلکه در عبادت و نماز و روزه به جایگاه رفیعی دست یافته اند. سپس دستور داد تا آن دو را حاضر کردند، عوامل خلیفه به آن دو گفتند: وای بر شما، مگر شما را چه شده که در مورد این مرد زندانی کوتاهی می کنید؟ آنان اظهار داشتند: در مورد شخصی که روزها روزه می گیرد و تمام شب را به عبادت و سحرخیزی سپری می کند، چه بگوئیم؟ او با کسی غیر از خدا همسخن نمی شود و به غیر عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال به کار دیگری نمی پردازد. هنگامی که به ما می نگرد ارکان بدنمان می لرزد و هیبت و جلالت او تمام وجودمان را فرا می گیرد. عوامل عباسی وقتی چنین دیدند با ناامیدی و حسرت تمام آنجا را ترک گفتند (23).

عبادتها، ذکرها و سجده های آن حضرت آن چنان عاشقانه و پر سوز و گداز بود که در و دیوار و سایر موجودات و حتی دشمنانش را متأثر می ساخت و این همان مصداق آیه شریفه است که در مورد حضرت داودعلیه السلام می فرماید: «یسبحن بالعشی والاشراق» (24)؛ «کوهها [به همراه حضرت داودعلیه السلام] هر شامگاه و صبحگاه تسبیح می گفتند.»

حضرت عسکری علیه السلام همواره در مورد سجده های طولانی به شیعیانش توصیه کرده و می فرمود: «اوصیکم بتقوی الله والورع فی دینکم والاجتهاد لله... و طول السجود» (25) شما را به پارسایی، پرهیزگاری در دینتان و تلاش برای خدا... و انجام سجده های طولانی سفارش می کنم.

سجده های طولانی و خاکساری در برابر حق آثار ارزشمندی برای بندگان خدا جوی به همراه دارد و نزدیکترین میانبرترین راه به سوی حق زمانی است که انسان سر بر آستان ربوبی گذاشته و نهایت بندگی خود را به نمایش می گذارد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله روزی مشغول تعمیر خانه اش بود و مردی از آنجا عبور می کرد. از نزدیک آمده و عرضه داشت: یا رسول الله! من بنایی بldم، آیا به شما کمک کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وآله به او اجازه داد. بعد از اتمام کار، حضرت رسول صلی الله علیه وآله به او فرمود: حالا در مقابل زحمت خود از ما چه می خواهی؟ بنا بلافاصله گفت: بهشت می خواهم. رسول الله لحظه ای سر به پایین انداخت و سپس پیشنهاد او را پذیرفت. هنگامی که مرد با خوشحالی تمام از پیامبر صلی الله علیه وآله جدا شد، حضرت او را صدا کرده و فرمود: «یا عبد الله! اعنا بطول السجود» (26) ای بنده خدا! [البته] تو هم ما را با سجده های طولانی یاری کن!

پی نوشت ها :

(1) وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»؛ «جن و انس را جز برای عبادت خلق نکردم.» (ذاریات/56).

(2) نهج البلاغه، خطبه 86.

(3) بقره/186.

(4) حجر/99.

(5) الغدير، ج 1، ص 408.

(6) بحارالانوار، ج 72، ص 155.

(7) بحارالانوار، ج 75، ص 380؛ الانوار البهیه، ص 319.

(8) مستدرک الوسائل، ج 3، ص 63؛ الامامة و التبصرة، علي بن بابويه قمی، ص 162 .

(9) الفيض القدسي، ص 11 .

(10) وصيتنامه الهي - اخلاقي، ص 22 .

(11) حق و باطل، ص 170 .

(12) سرگذشتهای ویژه، ص 88 .

(13) مهترتابان، ص 26 .

(14) بحارالانوار، ج 75، ص 369 و 379 .

(15) داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر ابن ابي طالب که به ابوهاشم جعفري نیز معروف است، یکی از یاران نزدیک و مورد اطمینان امام حسن عسکري عليه السلام می باشد . وی به خاطر انتسابش به جناب جعفر طیار (برادر گرامی امیرمؤمنان عليه السلام) جعفري لقب گرفته است . او از سرشناسان قبیله خود در بغداد و همنشین چهار امام معصوم - (امام رضا، امام جواد، حضرت هادی و امام عسکري عليهم السلام -) بوده و از این گرامیان حدیث نقل کرده است، همچنانکه پدرش نیز از راویان امام صادق عليه السلام به شمار می رود . ابوهاشم در اوائل غیبت صغری از ناحیه حضرت مهدي عليه السلام به عنوان وکیل و کارگزار آن وجود گرامی انجام وظیفه می کرد . او افزون بر نقل روایات متعددی از پیشوایان معصوم عليهم السلام، در علم حدیث کتابی مستقل نیز تألیف نمود . ابوهاشم مردی آزاده، شجاع و با شهامت بود، هنگامی که سر یحیی بن حسین بن زید (یکی از علویان پارسا و شجاع که بر علیه حکومت ستمگر مستعین عباسی قیام کرده و به شهادت رسید) و دیگر یاران وی را در بغداد نزد محمد بن عبدالله بن طاهر (حاکم مستبد عباسی) آوردند، سرشناسان بغداد و رجال دربار برای عرض تبریک به نزد حاکم رفتند و کشته شدن یحیی را تبریک گفتند . ابوهاشم جعفري نیز به نزد حاکم رفت و در حالیکه اعیان و اشراف و بزرگان مجلس حضور داشتند، بدون ترس و واهمه خطاب به حاکم گفت: ای امیر! این مردم درباره این کشته به تو تبریک می گویند، اما اگر رسول الله صلی الله علیه وآله اینجا بود به او تسلیت می گفتند .

ابوهاشم در نزد اهل بیت عليهم السلام دارای مقام و منزلت ویژه ای بود و با بیان و اشعار حماسی خود از حریم اهل بیت عليهم السلام دفاع می کرد و به همین جهت در سال 252 به همراه گروهی از طالبیین به سامرا تبعید شده و در آنجا زندانی گردید .

(رجال نجاشی، ص 156؛ معجم رجال الحديث،

ج 23، ص 85 و ج 8، ص 122؛ شاگردان مکتب ائمه عليهم السلام، ج 2، ص 138) .

(16) بحارالانوار، ج 50، ص 304 .

(17) کمال الدین، ص 473؛ بحارالانوار، ج 50، ص 331 .

(18) مصباح المتعبد، ص 788؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 478 . البته در کتاب وسائل الشیعه در فراز اول روایت «صلوة الخمسين» آمده است .

(19) جامع احادیث الشیعه، ج 4، ص 22 .

(20) تفسیر امام العسکري عليه السلام، ص 72 به بعد؛ بحارالانوار، ج 81، ص 231، 232، 233، با تلخیص .

(21) نهج البلاغه، فرازی از خطبه همام .

(22) بحارالانوار، ج 50، ص 253 .

(23) كشف الغمه، ج 3، ص 290 .

(24) ص/18 .

(25) تحف العقول، ص 487 .

(26) وسائل الشيعه، ج 6، ص 378 .